

ویژه سنین جوان و میانسال
خواهر و برادر

میراث

هفته سی و یکم سال ۱۳۹۸

۲۷ مهر الی ۳ آبان

موضوع: ضرورت کنش گری اجتماعی
برای جوان مومن
انقلابی



معاونت تعلیم و تربیت سازمان بسیج

درسنامه هفته سی و یکم

ضرورت کنش گری اجتماعی برای جوان مومن انقلابی



اهداف آموزشی :

آشنایی با مفهوم کنش گری و خدمت رسانی
آشنایی با مصادیق آزادی اجتماعی و آزادی معنوی

اهداف رفتاری :

تقویت نقش آفرینی اجتماعی در بسیجیان

مفهوم کنش‌گری

کلمه‌ی «کنشگر» واژه‌ی فارسی زیبایی است و به معنی فعل و کنش است. واژه کنشگر اجتماعی به معنای هر فردی است که در مجموعه‌ای از روابط اجتماعی با افراد دیگر قرار می‌گیرد و از طریق حضور اجتماعی خود، به نظام اجتماعی امکان وجود و تداوم یافتن می‌دهد. در زبان علوم اجتماعی در ایران، تاکنون واژگان متفاوتی برای این مفهوم به کار برده شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به «بازیگر اجتماعی» اشاره کرد. اما واژه کنشگر، گویایی بیشتری دارد بدین دلیل که ما را به مفهوم «کنش» در این مفهوم هدایت می‌کند که خود مهم‌ترین بعد در معنای «کنشگر اجتماعی» به حساب می‌آید.

باید توجه داشت زمانی که در علوم اجتماعی سخن از «کنشگر اجتماعی» (social actor) برده می‌شود، لزوماً به دوران خاصی اشاره نداریم و این تفاوت اصلی مفهوم «کنشگر» با مفهوم «سوژه» یا «فرد» است که هر دو مفاهیمی هستند که به دنیا و روابط اجتماعی مدرن مربوط می‌شوند. کنشگر بر خلاف دو مفهوم مزبور می‌تواند همان اندازه در روابط و مناسبات مدرن و حتی پسا مدرن به کار رود که در مناسبات باستانی و پیش‌صنعتی نیز کاربرد داشته باشد. از این لحاظ کنش اجتماعی را نیز باید هر نوع عمل، حرکت یا رفتاری تعریف کرد که به وسیله یک کنشگر اجتماعی انجام بگیرد و منظور از آن ایجاد رابطه یا تاثیر گذاشتن بر رابطه‌ای اجتماعی با هدفی مشخص و آگاهانه و یا نامشخص و ناخود آگاه باشد.

یکی از مباحثی که همواره در مورد کنش اجتماعی و کنشگران اجتماعی مطرح بوده و امروز هنوز جزو مهم‌ترین مباحث و پر مناقشه‌ترین آنها است، این بحث است که کنش و کنشگر تا چه اندازه خود انگیخته و آزاد هستند تا چه حد تحت تاثیر و در قید و بند الزامات اجتماعی شکل می‌گیرند.

کنشگر و جوان مومن انقلابی

شما توپی را به دست می‌گیرید و به زمین می‌زنید. توپ از زمین بلند می‌شود. زدن شما یعنی حرکت توپ به طرف زمین که با نیروی دست شما صورت می‌گیرد، عمل شماست و بلند شدن توپ از زمین عکس‌العملی است که در اثر خوردن توپ به زمین پیدا می‌شود. پس آن عمل است و این عکس‌العمل، آن فعل است و این به اصطلاح اعراب امروز «ردالفعل»، آن کنش است و این واکنش. توپ را که شما به زمین می‌زنید چقدر بالا می‌رود؟ از یک طرف بستگی دارد به مقدار نیرویی که در آن فعل به کار می‌رود یعنی شدت ضربه شما، و از طرف دیگر بستگی دارد به چگونگی سطح زمین؛ هر مقدار زمین سفت‌تر و صافتر باشد و صلابت بیشتری داشته باشد، عکس‌العمل بیشتری می‌شود. پس میزان عکس‌العمل از یک طرف بستگی دارد به شدت عمل شما و از طرف دیگر به صلابت

و صافی آن سطحی که توپ به آن برخورد می‌کند. در واقع کنشگر حرکتی را می‌کند نمادین و اسطوره تا بتواند یک فعل و عمل را از بالقوه به بالفعل تبدیل کند. حرکت جوانان انقلابی در راستای پیروزی انقلاب اسلامی نیز سرچشمه از این کنش (حرکت) گرفته بود. جوانان از منظر امام خمینی (رحمه الله) عدالت خواه، آزادی طلب و حقیقت جو همواره در شمار نخستین کسانی بودند که به ندای منادیان حق و عدالت پاسخ گفتند. در ایران اسلامی، امام خمینی رحمه الله با بهره مندی از سیره پاک نبوی، به عنوان مرجع و رهبری عادل، خداجو و آگاه، به کانون امید و توجه ایران و جهان تبدیل شد و پیوندی استوار میان جوانان و ولایت برقرار کرد. از منظر امام خمینی رحمه الله، جوانان، جایگاهی بسیار والا داشتند و میان ایشان و امام، ارتباطی عاطفی و صمیمی برقرار بود. حضرت امام رحمه الله، دوره جوانی را بهترین فرصت برای تزکیه نفس می‌داند و قلب پاک جوانان را پذیرای کلام حق می‌شمارد: «تأثیر قلبی و تصور باطنی، در ایام جوانی بهتر حاصل می‌شود؛ زیرا قلب جوان، لطیف و ساده است و صفایش بیشتر است و [واردات] آن، کمتر و تراحمات و تراکمات در آن کمتر است.» ایشان در بیان اراده نیرومند و استقامت جوانان در برابر قدرت‌ها و دشمنان اسلام، جوانان را معجزه گر می‌خوانند و می‌فرمایند: «شما جوانان عزیز، اثبات کردید که می‌توانید در مقابل تمام قدرت‌ها ایستادگی کنید و می‌توانید کشور خودتان را حفظ کنید.» هوشیاری در برابر خطر انحراف جوانان و نفوذ فرهنگ بیگانه در اندیشه این نسل، سفارش همیشگی حضرت امام رحمه الله بود. ایشان، جوانی را بهترین فرصت برای تزکیه نفس می‌داند، اراده نیرومند و استقامت جوانان در برابر قدرت‌ها را می‌ستاید و از آنان انتظار دارد در برابر انحراف‌ها، هوشیار باشند. بی‌گمان جوانان یکی از عناصر کلیدی و مولفه‌های اساسی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و استمرار و بقای آن بودند و رابطه‌ای که میان امام و نسل جوان به وجود آمده بود فراتر از رابطه رهبری بوده و شکلی روحانی و معنوی داشت. امام خمینی با تمام وجود به جوانان عشق می‌ورزیدند و آنان را «سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و گل‌های معطر و نوشکفته جهان اسلام»^۱ می‌دانستند. همین علاقه بود که محبتی دو چندان را در عمق وجود جوانان نه تنها ایران، بلکه سراسر خاورمیانه نسبت به امام به وجود آورد تا جایی که همین جوانان در جریان انقلاب اسلامی و پس از آن در سال‌های دفاع مقدس به عشق امام، صحنه‌هایی را خلق کردند و حماسه‌هایی آفریدند، که عقل محاسبه‌گر بشری از درک آن عاجز می‌ماند. امام خمینی (ره) از عمق جان به جوانان عشق می‌ورزیدند و این علاقه به دلیل ویژگی‌هایی است که جوانان دارند: «شما جوان‌ها بهتر می‌توانید تهذیب نفس کنید، شما به ملکوت نزدیک‌تر هستید از پیرمردها، در شما آن ریشه‌های فساد کمتر است.... یک پیر

بخواهد اصلاح بشود، بسیار مشکل است؛ جوان زودتر اصلاح می شود.... نگذارید برای ایام پیری، حالا که جوان هستید... شروع کنید»^۲ و به همین جهت نگاه امام به جوانان عمیق و متعالی بوده و لذا لحن امام و توصیه های ایشان به جوانان حالتی پدروگونه دارد. پدری که آمالی بلند برای فرزندان خویش دارد. اما ایشان پیش زمینه هرگونه حرکت از سوی جوانان را خودسازی و تهذیب نفس می دانستند و لذا می فرمایند: «شما جوانان محترم کوشش کنید روح ایمان به خدای تعالی را در خود و دیگران تقویت نمایید که در سایه آن، از ممالک اسلامی بتوانید دفاع کنید و از این وضع رقت بار، خود و برادران خود را نجات دهید.»^۳ بر این اساس جوانان علاوه بر تهذیب باید تحصیل را نیز قرین فعالیت خود کنند تا بتوانند وظیفه خطیر خود را انجام دهند: «بر شما جوانان روشنفکر است که از پای ننشینید تا خواب رفته ها را از این خواب مرگبار برانگیزانید؛ و با فاش کردن خیانت ها و جنایت های استعمارگران و پیروان بی فرهنگ آن ها غفلت زده ها را آگاه نمایید، و به اختلاف کلمه و تفرقه و هواهای نفسانی که رأس همه فسادهاست احتراز کنید، و به خداوند تبارک و تعالی روی نیاز آورید.»^۴ چرا که: «شما جوانان تحصیل کرده، مردان آتیه و فردا و رجال و شخصیت های آینده اجتماع هستید؛ باید بیهوش و بیدار باشید و با تمامی عوامل عقب افتادگی و تفرق و ذلت ملت های خود مبارزه کنید.»^۵ امام در جای دیگر به تفصیل در خصوص نقش بسیار اثر گذار جوانان به ایراد سخن می پردازند: «شما جوانان تحصیل کرده در هر جا هستید وظایف خطیری دارید: وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلم است؛ وظیفه دفاع از میهن و استقلال آن که از وظایف حتمیه اسلامی است؛ وظیفه شناساندن اسلام بزرگ به جوامع بشری، چه از ناحیه طرز حکومت و بسط عدالت آن و چه از ناحیه رفتار والی مسلمین با ملت، و چه از کیفیت معامله والی با بیت المال مسلمین. شماها باید معرفی کنید اسلام را تا رژیم ها و حکومت ها بفهمند معنی حکومت و پاسداری از ملت را؛ تا جوامع بشری بدانند اسلام چه نحو حکومتی می خواهد؛ تا افکار غلطی که به واسطه عمال استعمار به جوان های ما تحمیل شده است تغییر کند. بکوشید و خود به احکام اسلام عمل کنید و دیگران را وادار به عمل کنید، و پرده های ضخیمی که کجروان بر چهره نورانی اسلام افکنده اند برطرف کنید.»^۶ «بر شما جوانان ارزنده اسلام- که مایه امید مسلمین هستید- لازم می باشد که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و

۲- تفسیر سوره حمد، ص ۱۲۶

۳- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۴

۴- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۴۲

۵- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۷۷

۶- صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۸۸

خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید، با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمانهای بزرگ اسلام بکوشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مهذب و مجهز شوید؛ متحد و متشکل شده و صفوف خود را فشرده تر سازید؛ هر چه بیشتر همفکر و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه‌های دستگاه جبار ایران علیه اسلام و مسلمین غفلت نورزید. صدای برادران رنج‌دیده و مسلمان ایران را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید... باشد که به یاری خداوند، موجبات استقلال و آزادی ملت اسلام و دفع ظلم دستگاه‌های جبار و نوکران استعمار فراهم آید، و خطراتی که امروز متوجه اسلام و مسلمین می‌باشد برطرف گردد.»^۷ گفت‌مان امام در خصوص جوانان تنها به توصیه به آنان محدود نمی‌شود بلکه از سوی دیگر امام توجه مسئولین کشور را به توجه به جوانان انقلابی و دیندار جلب می‌کنند: «اینک به تمام متصدیان امور و دست‌اندرکاران کشور هشدار می‌دهم که قدر این جوانان حزب‌اللهی را بدانید و از آنان قدردانی کنید و آنان را تشویق نمایید و در آغوش محبت خود حفظ کنید. اینان بودند که ایران را نجات دادند و از این پس همین‌ها هستند که انقلاب را پاسداری می‌کنند و همین‌ها هستند که با صرف هزینه‌ای کم، در ظرف مدت کوتاهی با روشن بینی خاص خویش، کارهای تعجب‌آوری نمودند که گمان نمی‌شد در ایران بتوان انجام داد. این مغزهای متعهد باید تشویق شوند تا شکوفا گردند.»^۸ دو مسئله اساسی در نگاه امام به جوانان حائز اهمیت بسیار است امامی که نگاه پدران او به امت و به ویژه جوانان کاملاً محسوس و قابل درک بود. پدر فرزانه‌ای که تمام امید او برای استمرار حرکت الهی انقلاب به جوانان بود چرا که «آینده مملکت به دست جوانان سپرده می‌شود و در حفظ و حراست آن نباید غفلت کنند.»^۹ و اما ضمن این امیدواری برای تحقق اسلام ناب محمدی انتظاراتی نیز از این قشر دارند «[این] که با تهذیب نفس و اخلاص، مطالعات و تحقیقات وسیع و دامنه‌داری را در زمینه شناخت احکام اسلام و مبانی نورانی قرآن آغاز نمایند؛ اسلام واقعی را بشناسند و بشناسانند. ملت اسلام را بیدار و آگاه سازند.»^{۱۰} و به نظر می‌رسد امروز هم پیام امام راحل در پیش روی جوانان ایرانی قرار دارد که فرمودند: «من در این جا به جوانان عزیز کشورمان... سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ، تا

۷- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۳۹

۸- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۱-۱۵۰

۹- صحیفه نور، ج ۲، ص ۸۷

۱۰- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۸۷

رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.»^{۱۱}

جوان کوشگر انقلابی در جامعه کنونی

حرکتی جهادین و خودکفا مقوله ای است که جامعه امروز ما بدان نیازمند است. دعوت مقام معظم رهبری نسبت به آتش به اختیار نیز از همین مقوله می باشد. «آتش به اختیار» یک اصطلاح ترکیبی است که کاربرد اصلی آن در حوزه نظامی است. در کاربردهای نظامی زمانی که ارتباط خط مقدم با دیگر خطوط به هر دلیلی قطع می شود، افراد درگیر بر اساس اصل اساسی دفاع از خود و سنگر، موظف هستند تا خود زمام امور را به دست گیرند و میدان را مدیریت کرده و به صیانت و دفاع از سنگر پرداخته و دشمن را به هر وسیله ای دفع کنند یا از حرکت باز دارند. براین اساس فقدان فرماندهی و یا فقدان ارتباط با فرماندهی، موجب نمی شود تا نیروهای میدانی دست از دفاع یا حمله بردارند و منفعل عمل کنند، بلکه باید فرماندهی انتخاب کرده و در صورت عدم وجود چنین حالت و ظرفیتی هر یک از افراد خود به اختیار و اراده از هر راهبرد و سازوکاری برای دفع دشمن و تهدید اقدام کنند. آتش به معنای هر اقدام برای کشتن دشمن و دفع تهدید است. این اقدام با سلاح سختی چه گرم چون تفنگ و توپخانه یا سرد چون شمشیر و نیزه و سرنیزه یا سلاح نرم با ایجاد خوف و ترس کلامی و حرکتی می تواند انجام گیرد؛ ولی با توجه به این که امروزه سلاح گرم، بیشترین کاربرد را دارد، آتش به معنای شلیک گلوله، مصداق غالب است. مراد از اختیار نیز بهره گیری از اراده انسانی و حق انتخاب آزاد برای هرگونه عمل و رفتاری است که بتواند دشمن را دفع یا رفع کند. بنابراین، می توان گفت: آتش به اختیار به معنای مدیریت میدان جنگی از سوی یکایک افراد با هرگونه ابزار و سلاح جهت دفع و رفع دشمن و تهدید است.

این فرمان زمانی صادر و یا به کار گرفته می شود که میدان جنگ، فاقد فرمانده یا فاقد شرایط و امکان انتخاب جایگزین یا ارتباط با فرمانده یا قرارگاه فرماندهی باشد.

رهبر معظم انقلاب در دیدار رمضانی با دانشجویان، آنها را به تلاش جدی و همه جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب اسلامی در دانشگاه توصیه کرده و در ضمن این بحث فرمودند: «من به همه آن هسته های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می گویم: «هرکدام کار کنید؛ مستقل و به قول میدان جنگ، آتش به اختیار.»^{۱۲} ایشان افزودند: «گاهی دستگاه های مرکزی فکر، فرهنگ و سیاست، دچار اختلال و تعطیلی می شوند که در این وضعیت، باید افسران جنگ نرم، با شناخت وظیفه خود، به صورت آتش به اختیار، تصمیم گیری و اقدام کنند.»

ایشان در این فرمان، با استعاره گیری از اصطلاحات نظامی برای فعالیت های فکری و فرهنگی بر آن است تا فرمانی با مفهوم شناخته شده صادر کند؛ آتش به اختیار به معنای «کار فرهنگی خودجوش و تمیز»؛ فرمان آتش به اختیار یعنی زمانی که صدای فرمانده به شما نرسید، آتش به اختیار هستید؛ یعنی اگر دشمن را در مقابل خود دیدید منتظر دستور نباشید و خودتان کار را انجام بدهید. آتش به اختیار یعنی افسران جنگ نرم مومن باتقوا و با بصیرت و سرباز واقعی ولایت، هر وقت خطایی دیدند، انحرافی دیدند؛ سهل انگاری دیدند، کوتاهی مسئولی را دیدند، با رعایت اصول اخلاقی و مَرّ قوانین آن خطا و انحراف و کوتاهی و سهل انگاری را به مقامات بالاتر و شخص موردنظر تذکر بدهند و تا پیگیری و حصول نتیجه و رفع مشکل سکوت نکنند.

آتش به اختیار یعنی انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر توأم با بصیرت و صبر انقلابی؛ که قطعاً اگر چنین بود ظفر انقلابی و رضای الهی نیز محقق خواهد شد. آتش به اختیار یعنی مبارزه قاطع و انقلابی با مظاهر انواع فساد و تخلف در عرصه های مختلف در چارچوب شرع مقدس و قانون و اخلاق و عرف متعارف و پیگیری تا حصول نتیجه.

آتش به اختیار یعنی این که باید به آن حد از بصیرت برسیم که دیگر منتظر نباشیم تا مولایمان خود را برای هر مسئله ریز و درشتی هزینه کند؛ و منتظر نباشیم که در هر مسئله فرعی نظر و مواضع ولایت را بشنویم. باید عمارگونه در مواردی که مولا به دلایلی که فقط خدا و او می داند سکوت اختیار کرده طبق رهنمودهای عمارهای ولایت عمل کنیم. از نظر رهبر انقلاب حوزه فرهنگی نیازمند جهاد فکری و فرهنگی است تا تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی را دفع کند. از نظر ایشان جهاد تنها در مقوله نظامی یا مالی و اقتصادی نیست، بلکه در همه حوزه ها کارکرد و مفهوم دارد به شرطی که هدف از جهاد، دشمنان در این حوزه ها باشند که سنگرهایی را فتح کرده یا تهدید می کنند. مقام معظم رهبری می فرماید: «بنده بیشتر سنگینی بارم این است که نگاه کنم ببینم کجا شعله جهاد در حال فروکش کردن است و به کمک پروردگار نگذارم»، و در ادامه می فرماید: «جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که جهاد رزمی نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که جهاد سیاسی نامیده می شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به جهاد فرهنگی تعبیر می شود و یک وقت در میدان سازندگی

است که به آن جهاد سازندگی اطلاق می گردد»^{۱۳}

فرمان آتش به اختیار یک راهبرد عقلی و نقلی است. بنابراین، نه تنها عقل آن را می شناسد و بدان عمل می کند، بلکه نقل مطابق فطرت فَأَقَمَ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^{۱۴} پس روی خود را متوجه آیین خاص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار؛ ولی بیش تر مردم نمی دانند! آن را امضا و تایید می کند. با توجه به این که فرمان آتش به اختیار از سوی فرمانده اعلان می شود، در حقیقت هر کسی به این فرمان عمل کرد، از فرماندهی تبعیت کرده است چرا که فرمانده، گاه حکم جزیی و موردی می دهد و گاه حکم کلی. همان طوری که اطاعت از فرمان های جزیی و مصداقی بر فرمانبران لازم است، همچنین لازم است تا فرمان های کلی را به اجرا در آورند و از آن تخلف نکنند. فرمان آتش به اختیار از فرمان های کلی است که نوعی جانشینی را برای یکایک افراد بالاخص جوانان در میدان صادر می کند. امروز این جوانان تربیت شده، این «جوان های دانشجو و افسران جوان جنگ نرم»، در شرایطی که «جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی -جنگ نرم- مواجه است» باید به میدان بیایند: «گفتیم افسران جوان جنگ نرم؛ نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچ گونه از خودش تصمیم گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه ها و یگان های بزرگ، چون آن ها طراح های کلان را می کنند. افسر جوان در صحنه است؛ هم به دستور عمل می کند، هم صحنه را درست می بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می آزماید. لذا این ها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می بینند، در چهارچوب هم کار می کنند»^{۱۵}.

نکته ی مهم این است که در این شرایط (یعنی آتش به اختیار)، ارتباط میان سطح راهبردی و تاکتیکی قطع نیست؛ یعنی نیروهای انقلابی و افسران جوان جنگ نرم می دانند که دشمن کیست، مسیر مقابله با آن چگونه است، اصلی ترین روش های دشمنی چیست، مهم ترین ابزارها و محمل های دشمن کدامند، برای انسجام درونی چه باید کرد، مهم ترین معارف، باورها و توصیه ها (منظومه ی فکری اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و مکتب امام خمینی (رحمه الله) که نیروها باید می دانسته اند، به آن ها گفته شده است

۱۳- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله، ۱۳۷۵/۳/۲۰

۱۴- سوره روم، آیه ۳۰

۱۵- بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۶/۲۸

و به‌طور خلاصه، نیروهای انقلابی در شرایط حرکت در دلان تاریک نیستند و با وجود غبارهای فتنه، می‌دانند که جهت عَلم‌های مقتدایشان در کدام سمت و سو است. وقتی افسر جوان جنگ بخواهد در عرصه‌های مختلف به‌صورت «آتش به اختیار» عمل کند، برای انتخاب تاکتیک مناسب باید اولویت عملیات خود را بشناسد و مسائل اصلی و فرعی محور خود را به‌درستی شناسایی کند؛ زیرا از زمینه‌های صدور فرمان «آتش به اختیار» اساساً همین جابه‌جایی اصلی‌ها و فرعی‌ها است. در شرایط تهاجم و نفوذ نرم دشمن، غفلت مسئولان و «اصلی - فرعی نکردن امور» و عدم شناخت درست از اولویت‌ها برای اقدام، مایه‌ی آسیب‌های گسترده در ابعاد ملی است. این عدم تشخیص صحیح در شرایطی که «دستگاه محاسباتی مسئولان نظام اسلامی» دچار اختلال می‌شود، ابعاد و عمق گسترده‌تری می‌یابد و هزینه‌های فراوانی را بر انقلاب و کشور تحمیل می‌کند. اگر نیروهای انقلابی و افسران جنگ نرم در شرایط «آتش به اختیار»، بخواهند به تصمیم‌های درست برسند لازم است به نکات مهم زیر توجه کنند:

۱- توجه به اصول فکری امام و انقلاب اسلامی: مهم‌ترین اصول فکری حضرت امام (رحمه‌الله) که توسط رهبر انقلاب تبیین شده عبارتند از: «اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی»، «انکاء به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی و در نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی»، «اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی»، «طرف‌داری جدی از عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با نابرابری و اشرافی‌گری»، «مخالفت و مبارزه با قلدردان بین‌المللی و مستکبران و حمایت از مظلومان و جبهه‌ی مقاومت»، «توجه به استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری» و «توجه به وحدت ملی و مقابله با توطئه‌های تفرقه‌افکن».^{۱۶}

۲- توجه به عقلانیت انقلابی: در اندیشه‌ی رهبر انقلاب، مهم‌ترین تعابیری که در تقابل معنایی با عقلانیت انقلابی قرار دارند، محاسبه‌ی محافظه‌کارانه، قشری‌گری، تحجّر، اسیر اوهام و تخیلات خود شدن و سازشکاری (با دشمن) است؛ بنابراین در شرایط آتش به اختیار، هیچ‌کدام از نیروهای انقلابی به این ورطه‌ها درنخواهند افتاد. همچنین توجه به «حکمت» و به کار گرفتن خرد و تدبیر و فکر و محاسبات و کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام - و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر - از مهم‌ترین بایسته‌ها در شرایط آتش به اختیار و مبتنی بر عقلانیت انقلابی است.

۳- نظم و قانون‌گرایی: چند ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام (ره) گفت باید

قانون اساسی نوشته شود... هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که مردم در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کردند؛ بعد از مدت کوتاهی هم مجلس شورای اسلامی به راه افتاد. بنابراین از اول، مبنای کار انقلاب بر نظم و قانون بود... این انقلاب، مظهر نظم و قانون بود... این را باید مغتنم شمرد. پایبندی به نظم و قانون و مسئولیت‌های قانونی قوا باید مورد احترام همه باشد.^{۱۷}

توصیه مقام معظم رهبری به جوان مومن انقلابی

در حرکت عظیم ملت ایران، نسل جوان باید پیشرو باشد. برای نسل جوان (به خصوص نسل جوان دانشجو) بی تفاوتی و خونسردی جایز نیست. آن جوانی که به سرنوشت کشور نیندیشد و حوادث و خصومت‌هایی را که نسبت به کشورش در دنیا سازمانده می‌شود، نبیند و نسبت به آن‌ها نجوشد و نخروشد، آن جوان لایق این نیست که نام جوان شهروند یک ملت انقلابی را روی خودش بگذارد. روح جوان، آن روح پر تپشی است که در سخی‌ها، به داد کشور و ملت رسید و آن‌ها را نجات داد.

جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند؛ حواستان جمع باشد. عده‌ای را به بی تفاوتی می‌کشاند و عده‌ای را دلسرد و مأیوس می‌کند. یأس، بزرگترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ همچنان که امید این‌گونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین و تزریق کند، خودتان را مصونیت بدهید.

جوانان دانشجو در محیط‌های دانشگاه، به درس و علم و روحیه انقلابی و اسلامی، حداکثر اهمیت را بدهند. جوانان ببینند که امروز و آینده، چه قدر به وجود آنها احتیاج است؛ خودشان را برای آینده بسازند. امروز هم جوان دانشجو باید مثل همیشه، پشت‌تاز و پیشگام حرکت انقلابی باشد و خودش را شایسته و صالح برای این مسئولیت‌های بزرگ قرار بدهد.

قشر جوان بایستی همیشه نسبت به مسائل انقلاب احساس مسئولیت کند و خودش را از مسائل انقلاب برکنار نماند. انقلاب، امروز چه تکلیفی را به او املا می‌کند؟ از او چه می‌خواهد؟ او چه نقشی می‌تواند در پیشبرد انقلاب داشته باشد؟ وظیفه او چیست؟ قشر جوان باید از خیل عظیم مردم ما (که بحمدالله همیشه در صحنه‌های انقلاب حاضرند) جدا نشود و به رشد و آگاهی و با سواد شدن آنان کمک کند. در دانشگاه باید به روی مردم باز باشد و دانشجو در محیط دانشگاه محصور نباشد. دانشجو باید با اعضای خانواده خود و با دوستانش، ارتباطات روشن‌نگر داشته باشد و در مسائل کشور و مسائل جامعه سهیم باشد.

جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آن‌ها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انبیای الهی هم (از جمله حرکت صدر اسلام) محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند.

آن کشورهایی که جوان کم دارند (کمالین که بعضی از کشورها امروز به خاطر بعضی از سیاست‌های تنظیم نسل و خانواده و از این حرف‌ها، دچار کمبود نسل جوان هستند) ولو در علم و تکنولوژی و ترقیات جلو باشند، کارشان لنگ است؛ مجبورند از کشورهای دیگر جوان قرض بگیرند! جوان و جوانی، یکی از درخشندگی‌های آفرینش الهی است. دشمنان جوامع، از جمله جوامع اسلامی این نکته را خوب تشخیص داده‌اند و به خصوص روی آن انگشت گذاشته‌اند. این مربوط به امروز نیست؛ از یک قرن پیش تاکنون این‌گونه بوده است.

جوانان در هر برهه‌ای از تاریخ کشورها و ملت‌ها، می‌توانند یکی از مهم‌ترین مراکز سعادت یک ملت باشند. علت هم این است که جوان از طهارت فطری برخوردار است. جوان، پاک و ناآلوده است. آلودگی‌هایی که در طول زندگی به سراغ انسان‌ها می‌آید و زنجیرهایی بر دست و پای روح آنان می‌بندد و آنان را از حرکت و عروج و تکامل بازمی‌دارد، در مورد جوانان یا وجود ندارد و یا بسیار کم است. جوان، مهبط^{۱۸} لطف پروردگار است و در بسیاری موارد دل او محل جلوه عنایات ویژه الهی است. جوانان باید قدر این موهبت را بدانند. صفایی که می‌تواند روح انسان به دست بیاورد و با آن از لایه‌های گرفتاری مادی و آلودگی‌ها و پلیدی‌ها عبور کند و دامن خود را پاک نگه دارد، در جوانان بیش از همه انسان‌هاست.



منابع جهت مطالعه بیشتر :

- ۱- سریر سخن "ره توشه"^۳ (مشارکت همگانی در فعالیت-های سیاسی-اجتماعی) ،علی باقر شیخانی؛ سید حسین اسحاقی (مشترک بین سرگروه‌ها و متریان)
- ۲- جلد آخر صحیفه نور ، امام خمینی (ره) (مشترک بین سرگروه‌ها و متر بیان)